

آغاز مسیری تازه برای اقتصاد ایران



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

نیمه نخست سال گذشت و چند روز دیگر با شروع پاییز وارد نیمه دوم سال می‌شویم. اقتصاد ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و کوتاه‌مدت روبه‌رو بود و روند رشد و پایداری اقتصاد را به‌وضوح تحت‌تاثیر قرار داد. از استمرار ناترازی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی گرفته تا جنگ ۱۲ روزه‌ای که باوجود مدت محدود و کوتاه، تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر اقتصاد گذاشت. در بررسی نیمه نخست سال و نگاه به نیمه دوم سال، به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران می‌رسیم که موانعی بلندمدت و ریشه‌ای بر مسیر رشد و توسعه اقتصادی ایجاد کرده است. از سویی، هنوز هم درآمدهای نفتی نخستین منبع تامین سید هزینه‌های کشور هستند و نوسان نرخ نفت یا محدودیت در فروش، دخل و خرج کشور را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. از سوی دیگر، روند صعودی نرخ تورم، افزایش انتظارات تورمی، عدم‌اصلاح در ساختار بودجه، بی‌انضباطی در سیستم بانکی، نظام مالیاتی ناکارآمد و مشکلات ساختاری در بازار کار نیز در فهرست مشکلات نیمه نخست سال، اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر کرده و مانع از تحقق رشد پایدار شده است.

از طرف دیگر، برای بررسی نیمه نخست سال و پیش‌بینی نیمه دوم باید نگاهی واقع‌گرایانه به تحولات سیاسی منطقه و ایران داشت. کشورمان از سال گذشته در عرصه سیاست‌خارجی، سال پرآشوب و پرفرازونشیبی را تجربه کرد. حمله حماس به اسرائیل موجب شد منطقه و به‌تبع آن ایران، وارد مارپیچی خطرناک از تنش شود. در این سیکل تنش، ایران برای نخستین‌بار، وارد رویارویی مستقیم با اسرائیل شد و در نهایت جنگ تحمیلی ۱۲ روزه‌ای را تجربه کرد که هنوز با آثار اقتصادی و اجتماعی آن درگیر است.

از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر با رسیدن به زمان انقضای برجام، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین چالش‌های عرصه سیاست خارجی ایران، بار دیگر سر برآورده و تهدیدهای کشورهای اروپایی مبنی بر احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه، فشار مضاعفی بر صحنه اقتصاد و سیاست ایران وارد کرده است. البته این فشار هفته گذشته با امضای توافق جدید بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی فروکش کرد و امید تازه‌ای برای بازگشت تعادل به بازارها و برقراری ثبات در اقتصاد ایجاد کرد.

با این‌همه مجموعه این عوامل، اقتصاد را در وضعیت مدیریت بحران قرار داده است و حالا اقتصاد ایران در حالی وارد نیمه دوم سال می‌شود که همچنان با چالش‌های جدی داخلی و خارجی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

نرخ رشد اقتصادی در سطحی نزدیک به صفر باقی مانده و تورم با نرخ‌هایی بالاتر از ۴۰ درصد قدرت خرید را به‌شدت تضعیف کرده است. با این حال، بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ نیمه دوم سال می‌تواند فرصتی برای اصلاحات و حرکت به‌سوی ثبات نسبی باشد؛ به شرط آنکه تصمیمات قاطع، هماهنگ و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی اتخاذ شود.

بسیاری نخستین و مهم‌ترین مسیر برای بهبود اقتصاد را کاهش تنش‌های خارجی و حرکت به‌سوی گشایش‌های دیپلماتیک می‌دانند که منجر به رفع محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی و نفتی، به‌عنوان اصلی‌ترین مانع در مسیر توسعه اقتصادی خواهد شد. همچنین در این صورت، احیای کانال‌های مالی، افزایش صادرات نفت و توسعه تجارت آزاد با همسایگان، می‌تواند منابع ارزی کشور را افزایش داده و به ثبات بازار ارز و کنترل تورم کمک کند. خلاصه اینکه هرگونه توافق در حوزه سیاست خارجی، ولو موفق، می‌تواند شوک مثبتی به بازارها وارد کند و انتظارات تورمی را کاهش دهد.

در کنار اصلاحات خارجی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و کاهش کسری بودجه از دیگر الزامات حیاتی برای کنترل تورم و بازگرداندن اعتماد عمومی است. در این مسیر شفاف‌سازی هزینه‌ها، حذف یارانه‌های غیرهدفمند و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی بخشی از الزامات اصلاحی است.

ساماندهی بازار ارز و سیاست‌های پولی، تقویت بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار از دیگر اصلاحات ساختاری است که با کاهش مقررات زائد، تسهیل دسترسی به تسهیلات بانکی، حذف امتیازات رانتی و حمایت واقعی از تولید، محقق می‌شود.

در نهایت، حتی در صورت اجرای تمام موارد یادشده، اعتمادسازی برای جذب سرمایه باید در اولویت قرار گیرد. بدون شک اعتمادسازی عمومی و مقابله با فساد از ارکان اصلی هر برنامه نجات اقتصادی است و اصلاحات اقتصادی بدون همراهی مردم ممکن نبوده و نیست. این همراهی تنها در صورت شفافیت در عملکرد دولت و پرچیدن بساط رانت و فساد به‌دست می‌آید.

باتوجه به موارد یادشده بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ نیمه دوم سال ۱۴۰۴، باوجود همه محدودیت‌ها، می‌تواند آغاز مسیری تازه برای اقتصاد ایران باشد؛ البته «مسیری که از دیپلماسی فعال، اصلاحات ساختاری، سیاست‌گذاری هوشمند و مشارکت اجتماعی می‌گذرد».

به این ترتیب هر روز تاخیر در اصلاحات، می‌تواند هزینه‌ها را سنگین‌تر و فرصت‌های بهبود را کم‌رنگ‌تر کند.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

«سبد معیشت» به روایت آمار



با آرامش و رضایت زندگی می‌کنند. به‌همین دلیل فارغ از رشد تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه افراد، شاخص رفاه با ترکیب داده‌های اقتصادی و شرایط اجتماعی وضعیت زندگی مردم را با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی و زیست‌محیطی ترسیم می‌کند؛ بر این اساس، داشتن درآمد سرانه بالا، کیفیت زندگی بالا، توزیع عادلانه درآمد، ثبات سیاسی و اقتصادی و نوآوری و پیشرفت تکنولوژی از جمله مواردی است که بر رفاه عمومی افراد در یک جامعه اثر می‌گذارد.

■ **واقعیتی به نام ضرب جینی**



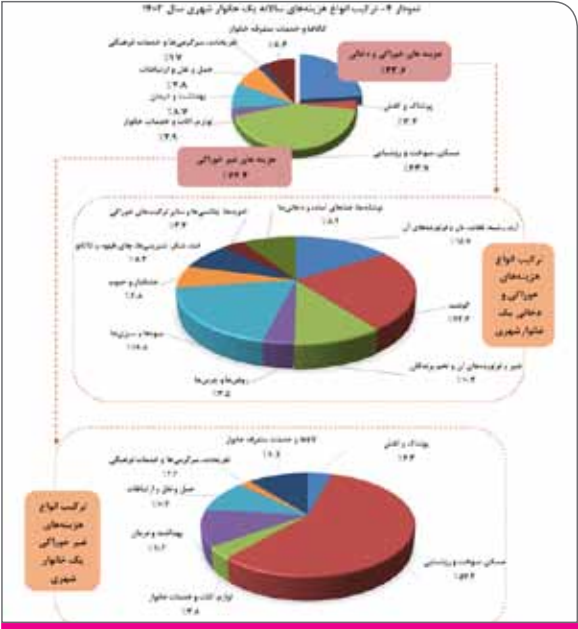
ضرب جینی یکی از شاخص‌های مهم برای ارزشیابی نابرابری درآمد و ثروت در یک جامعه است که عددی بین ۰ تا یک در نظر گرفته می‌شود؛ اگر ضرب جینی صفر باشد، یعنی برابری کامل برقرار است و همه افراد جامعه درآمد یکسانی دارند و اگر یک باشد یعنی نابرابری کامل؛ بر این اساس هرچه ضرب جینی کمتر باشد، جامعه برابرتر است. امروزه ضرب جینی برای درآمد خانوارها کاربرد دارد.

طبق آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران، ضرب جینی در ایران طی سال گذشته برابر ۰.۳۸۷ بوده؛ نکته اینجاست که این عدد نشان‌دهنده نابرابری متوسط تا بالا در توزیع درآمد است، یعنی دهک‌های پایین درآمدی جامعه همچنان بهره کمتری می‌برند. هرچند سیاست‌های اقتصادی در سال‌های اخیر همچون افزایش نرخ تورم، رکود اقتصادی، نوسانات ارزی و سیاست‌های مالیاتی بر تشدید آن اثرگذار بوده است.



اگرچه کارشناسان اقتصادی اعمال سیاست‌هایی چون اخذ مالیات تصاعدی بر درآمد و ثروت، مالیات بر دارایی‌های غیرمولد و کاهش فسر مالیاتی را از سیاست‌های موثر بر کاهش ضرب جینی می‌دانند، اما باید توجه داشت که برای ارتقای سطح درآمد خانوارها به‌گونه‌ای که از عهده هزینه‌های زندگی روزمره برآیند، می‌بایست سیاست‌های حمایتی دولت از دهک‌های پایین درآمدی چون پرداخت یارانه معیشتی به نیازمندان، مسکن اجتماعی و حمایت از اجاره‌نشین‌ها برای کاهش فشار هزینه‌های زندگی و بیمه سلامت همگانی در دستور کار باشد.

با ۱۵.۷ درصد و لبنیات با ۱۰.۲ درصد بیشترین سهم را دارند و هرگونه افزایش نرخ در این اقلام، بر سبد معیشتی خانوارها نیز تاثیرگذار است.



نکته دیگری که در سبد معیشت خانوارها حائزاهمیت است، سهم ۵۷.۲درصدی گروه «مسکن، سوخت و روشنایی» از هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار شهری است؛ هرچند همین شاخص در کل سبد معیشت خانوار سهم ۴۳.۷ درصدی دارد.

البته نباید این نکته را هم از نظر دور داشت که براساس بررسی‌های انجام گرفته در مرکز آمار در سال ۱۴۰۳ رشد متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری و روستایی بیشتر از رشد متوسط هزینه کل سالانه آنها بوده؛ به‌طوری‌که «متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری» در سال ۱۴۰۳ حدود «۲۷۰ میلیون تومان» بوده و نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش داشته است. از این میزان «۶۳ میلیون تومان» نزدیک به ۲۴ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و «۲۰۰ میلیون تومان» حدود ۷۷درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. همچنین «متوسط درآمد سالانه خانوار شهری» در این سال ۳۴۰میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل ۳۴ در صد افزایش یافته و نشان‌دهنده رشد بیشتر درآمد نسبت به هزینه در سال ۱۴۰۳ است.

■ **فرق سبد معیشت با رفاه خانواده**

این آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که خانوارهای ایرانی سهم بالایی از سبد معیشت خود را به تهیه اقلام خوراکی و مسکن اختصاص می‌دهند، اما از این آمار نمی‌توان چنین استنباط کرد که به‌دلیل سهم بالای اقلام خوراکی، مردم رفاه بیشتری دارند و بیشتر خرید خود را به این کالاها اختصاص می‌دهند، زیرا سبد معیشت بر تامین حداقل نیازهای اساسی مردم تاکید دارد و سطح رفاه، بیانگر کیفیت زندگی و رضایت آنان است.

در حقیقت سطح رفاه، مفهومی گسترده‌تر از یک زندگی حداقلی است و به مواردی چون دسترسی به خدمات درمانی و آموزشی مناسب، امنیت شغلی و اجتماعی، تفریح و رفاه اجتماعی اختصاص دارد؛ یعنی فرد و خانواده نه‌تنها از عهده هزینه‌های زندگی بر می‌آید، بلکه امکان پس‌انداز درآمد خود را داشته و

سخن پایانی

ژهمان‌گونه که آمار نشان می‌دهد، خانوار ایرانی در سال‌های اخیر با مشکلات ناشی از تورم بالا، نابرابری در توزیع درآمدها، رکود تورمی به‌ویژه در بخش مسکن و نااطمینانی در بازار اقلام خوراکی‌ها و کالاهای اساسی روبه‌رو بوده و این شاخص‌ها به‌وضوح خود را در شاخص‌های اقتصادی نشان داده است؛ در این شرایط باید گفت که دغدغه عامه مردم اعم از طبقه متوسط و ضعیف جامعه یعنی همان ۷ دهک پایین درآمدی که در ماه‌های اخیر مشمول طرح کالابرگ الکترونیک برای خرید اقلام اساسی زندگی خود بوده‌اند، بیش از همه نیز تورم را در زندگی خود لمس کرده‌اند.

تخصیص اعتبارات عمرانی ۳.۷ برابر پارسال شد

سازمان برنامه و بودجه کشور در پاسخ به این پرسش که باتوجه به کمبود منابع و محدودیت منابع، اولویت اختصاص بودجه به طرح‌های عمرانی چیست، آیا فقط اولویت منطقه‌ای است یا اولویت رشته‌های فعالیت یا اولویت میزان و درصد پیشرفت طرح‌های عمرانی است؟ اعلام کرد: در طول سال اجرای بودجه و باتوجه به وصول منابع بودجه عمومی برای طرح‌های عمرانی به‌صورت دوره‌ای، بودجه در نظر گرفته می‌شود؛ باتوجه به اینکه در این سازمان ۹ دفتر تخصصی (امور سلامت، امور انرژی، امور راه و ترابری و...) بودجه دستگاه‌های حوزه خود را بررسی می‌کنند، به هر دفتر سقف اعتبار اعلام می‌شود. دفاتر تخصصی باتوجه به اولویت‌های هر بخش و در تعامل با دستگاه‌های اجرایی، اعتبار تعلق‌گرفته به خود را میان طرح‌های مختلف همان حوزه توزیع می‌کنند؛ بنابراین تعیین اولویت توسط امور بخشی انجام می‌پذیرد که به‌صورت تخصصی مدیریت طرح‌های هر بخش را برعهده دارند.

اگرچه اولویت‌های هر بخش و شاخص‌های تعیین‌کننده اولویت‌ها، ممکن است متفاوت از سایر بخش‌ها باشد، اما به‌طور کلی مهم‌ترین شاخص‌ها برای تخصیص اعتبارات عمرانی را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

- پیشرفت فیزیکی طرح‌ها: هرچه پیشرفت فیزیکی طرح بالا باشد، در اولویت تخصیص اعتبار قرار دارد.

سبد معیشت خانواده که مهم‌ترین شاخص برای سیاست‌گذاری در حوزه رفاه اجتماعی به‌شمار می‌رود، در سال‌های اخیر آسیب‌های بسیاری را از ناحیه تورم و مشکلات اقتصادی دیده که سبب شده است تا خانوارها برای مدیریت هزینه‌های خود بر رف نیازهای اولیه تمرکز کنند.

اقتصاددانان سبد معیشت را مجموعه‌ای از کالاها و خدمات ضروری می‌دانند که یک خانوار برای تامین نیازهای اولیه زندگی به آنها نیاز دارد؛ خوراک (نان، برنج، گوشت، لبنیات و...)، پوشاک، مسکن و اجاره، حمل‌ونقل، درمان و آموزش اغلب در این سبد قرار می‌گیرند.

این سبد که از داده‌های مرکز آمار ایران استخراج می‌شود، در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز نقش موثری دارد و هرساله در ایام پایانی سال، با تعیین سبد معیشت، حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده در شورای عالی کار به‌تصویب می‌رسد.

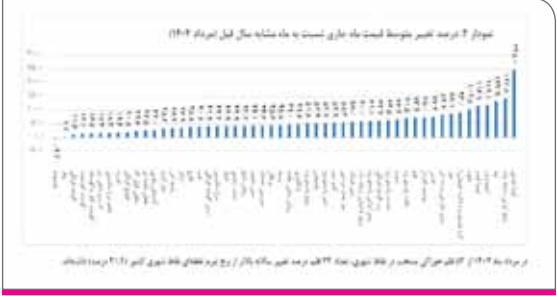
برای مفهوم بهتر از اینکه یک خانواده ایرانی در طول یک ماه به چه اقلام و کالاهایی نیاز دارد، بهتر است به آمار مربوط به نرخ تورم رجوع شود که جدیدترین آن، مربوط به پایان مرداد امسال است. در این ماه، نرخ تورم نسبت به مرداد پارسال ۴۲.۴ درصد افزایش داشته است، یعنی خانوارهای کشور به‌طورمیانگین، ۴۲.۴ درصد بیشتر از مرداد ۱۴۰۳ برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یکسان هزینه کرده‌اند، آن هم در شرایطی که متوسط افزایش حقوق کارمندان ۲۰ درصد و برای کارگران حدود ۴۵درصد بود.



نکته‌ای که در این آمارگیری وجود دارد، این است که تورم گروه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» که نیاز غذایی مردم را برطرف می‌سازد، از متوسط نرخ تورم در مرداد بیشتر بوده و به ۵۱.۴درصد رسیده است؛ یعنی اقلام خوراکی بیش از متوسط نرخ تورم افزایش نرخ داشتند که به‌طورمستقیم اثر خود را بر افزایش هزینه خانوارها می‌گذارد.

اجزای مربوط به اقلام خوراکی و افزایش قیمت‌ها در این بخش، تصویر بهتری از آنچه یک خانواده ایرانی با آن روبه‌روست، می‌دهد؛ طبق این آمار، اقلامی چون حبوبات، برنج، میوه‌ها و برخی کالاهای لبنی حتی بیش از متوسط نرخ تورم افزایش نرخ را نسبت به مرداد سال گذشته تجربه کردند که در صدر این افزایش، نرخ لوبیاجینی با ۲۴۸ درصد قرار دارد و مرغ ماشینی با ۴۲.۲ درصد افزایش، رشد قیمتی در محدوده نرخ تورم سالیانه را تجربه کرده است.

■ **سهم بالای خوراکی‌ها از سبد معیشت**



باید این نکته را یادآور شد که در کشورهای توسعه‌یافته، سهم خوراکی‌ها از سبد معیشت به‌طورمعمول بین ۱۵ تا ۲۰ درصد برآورد می‌شود و اقلام غیرخوراکی چون تفریح و آموزش سهم بیشتری دارند، اما فشار تورم بر خانوارهای ایرانی سبب شده است تا خانوارها به‌دلیل کاهش قدرت خرید بر تامین نیازهای اولیه خود که همان خوراک است، تمرکز کنند.

اما تورم بخش مسکن در سال‌های اخیر، اتفاق دیگری را برای سبد هزینه خانوارهای ایرانی رقم زده، به‌طوری‌که خانوارها مجبور شده‌اند با سهم بیش هزینه‌های غیرخوراکی خود را به ۷۶.۴درصد هزینه افزایش دهند و در مقابل، سهم اقلام خوراکی ۲۳.۶ درصد از کل هزینه‌های خانواده تقلیل یافته است.

براساس نتایج طرح هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۴۰۳ که مرکز آمار ایران آن را تهیه کرده است، از مجموع اقلام خوراکی که خانوارها برای گذران زندگی تهیه می‌کنند، گوشت با ۲۴.۴درصد، میوه‌ها و سبزی‌ها با ۱۸.۸ درصد، آرد و نان